Pazhuheshnameh Irfan
N.28, spring & summer (2023)
Pages :27-47

The Role of Perfect Man in Guidence and Condact, according of the Cognitive System of Imam Baqer (peace be upon him)

Reza Elahimanesh[1]

Abstract: The perfect man is the highest divine manifestation, having achieved the position of "Divine Vicegerency" in order to guide human beings. He represents the vastness of the divine all-embracing mercy within the world of creation. He is the cause of the genesis, survival, and completeness of beings, manifesting the names of Allah. He manifests the name of "Hadi" (Guide) of Allah. This paper, written in a descriptive and analytical style, is based on the narration of Imam Baqer (p.b.h). The research findings demonstrate that the elevated status of the perfect man and his position of "Velayet" (guardianship) result from his realization that he witnesses the annihilation of his own will, knowledge, and existence, as well as that of all creatures, in Allah. While the complete annihilation is attributed to the "Mohammadian Reality," the best manifestation of the "Mohammadian Reality" is found in the guardianship of Ali (p.b.h) and his innocent children. This guardianship represents "the Straight Path" and serves as the foundation for all prophethoods and prophetic missions. According to Imam Baqer (p.b.h), the perfect man is the divine will, knowledge, perfections and the vicegerent of Allah in existence, managing affairs and carrying the most important responsibility of guiding others to the Right path. Because, he is the truth of this "Path". The truth of the perfect man is a one truth that manifests itself in every era according to the needs of that era.

Keywords: ImAm Baqer (p.b.h), perfect man, divin vicegerent, conduct

1 . The assistant and the member of mysticism faculty of university of religions and denominations e-mail:elahimanesh@urd.ac.ir

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

پژوهشنامه عرفان، دوفصلنامه علمی، سال چهاردهم، شماره بیست‌وهشتم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۴۷- ۲۷

نقش هدایتی و سلوکی انسان کامل در منظومه معرفتی امام باقر(ع)

رضا الهی‌منش*

چکیده: انسان کامل، همان عالی‌ترین تجلی الهی است که برای هدایت انسان‌ها به مقام خلافت الهی دست یافته است. او ظهور رحمت واسعه الهی است که در تمام جهان خلقی بسط یافته و موجب پیدایش، بقا و تکامل موجودات است و خداوند او را مظهر اسمای خود قرار داده است. انسان کامل مظهر اسم «هادی» خداوندی است.

این مقاله به‌صورت توصیفی ـ تحلیلی نگارش شده، با استفاده از روایات امام باقر(ع)، به مهم‌ترین نقش انسان کامل، می‌پردازد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جایگاه انسان کامل، حاصل این حقیقت است که او تمام اراده، علم و ذات خود و همه هستی را در حق فانی می‌یابد. گرچه اصل این فناء تام برای «حقیقت محمدیه» محقق است، اما عالی‌ترین تجلی این حقیقت در ولایت علی(ع) و اولاد طاهرین‌شان است، که این ولایت «صراط مستقیم» و اساس تمام نبوت‌ها و رسالت‌ها است. از نگاه امام باقر(ع) انسان کامل همان اراده، علم و کمالات الهی است که به خلافت از خداوند در هستی، عمل می‌کند و هدایت به‌سوی حق مهم‌ترین مسئولیت اوست. زیرا، او حقیقت این «صراط» است. حقیقت انسان کامل یک حقیقت واحد است که در هر عصری به مقتضای همان عصر جلوه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام باقر(ع)، انسان کامل، خلافت الهی، سلوک

---

*استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده عرفان دانشگاه ادیان و مذاهب رایانامه: elahimanesh@urd.ac.ir

مقاله علمی پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۹

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

مقدمه:

نظریه انسان کامل به‌عنوان یک اصطلاح به نوعی در آثار عرفانی ازجمله، به‌واسطه حلاج و سپس بایزید بسطامی مطرح شد. البته این واژه، در قرن هفتم و با محیی‌الدین ابن‌عربی رنگ و بوی دیگری به‌خود گرفت و یکی از ارکان مهم نظام فکری او و پیروانش شد (رک:جهانگیری، ۳۲۶:۱۳۷۵). اما حقیقت و معنای انسان کامل با شئونی که در هستی داراست، در معارف قرآنی و نیز در روایات اهل بیت(ع) پیوسته مطرح بوده است.

امام باقر(ع) که از فرصت جابجایی حکومت بنی‌امیه و سرکار آمدن بنی‌عباس، و در جهت نشر معارف اصیل اسلامی و توحیدی و ولایی، بیشترین بهره را برده، درباب جایگاه امامان معصوم(ع) به‌عنوان مصادیق حقیقی انسان کامل معارفی را بیان فرموده‌اند.

اجمالی از بیان امام باقر(ع) در توصیف جایگاه امامت و انسان کامل چنین است:

امام درخت نبوت، معدن علم، جایگاه رسالت و جای رفت و آمد فرشتگان و جایگاه راز الهی و ودیعت خداست. امام امانتی است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد و آن را فوق طاقت خود یافتند. امام بزرگ‌ترین حرم خدا و قدیمی‌ترین خانه خدا و پیمان اوست ... خداوند آن‌ها را مایه هدایت و روشنایی در تاریکی‌ها برای نجات بشر قرار داده است ... آن‌ها نوری برای شهرها و تکیه‌گاهی برای بندگان و بزرگ‌ترین حجت خدا هستند... ایشان نور خدا در دل‌های مؤمنان و دریاهای روان برای آشامندگان‌اند ...(العطاردی، ۱۳۸۱، ج۳: ۲۷۹).

با نیم‌نگاهی به دیدگاه اهل عرفان پیرامون انسان کامل، عظمت معارف امام باقر(ع) بهتر روشن می‌شود. از نظر ابن‌عربی انسان کامل جامع جمیع مراتب اسما و صفات حق تعالی در هستی و صاحب ولایت مطلقه است؛ انسان کامل، نائب حضرت حق در «هستی» واسطهٔ میان او و خلایق است. او کسی است که در بندگی خدا از همه پیشی جسته و در جنس خود یگانه است (محمود غراب، ۴۱:۱۴۱۰). چنین انسانی همان فیض الهی است که در تمام حقایق عالم کبیر و جهان خلقی سریان یافته، سبب ایجاد، بقا و تکامل آن‌هاست. «**انه هوالخلیفه الجامع للاسماء و مظاهرها، فلما وجد هذاالکون الجامع، ثم العالم بوجوده الخارجی، لانه روح العالم المدبره له و المتصرفه فیه**» (ابن‌عربی، ۱۴۲۱ق: ۴۰۳). انسان کامل علت ایجاد عالم است. اگر انسان کامل نبود، جهان آفریده نمی‌شد. با وجود انسان کامل، هدف

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

از خلقت عالم به‌دست می‌آید. زیرا هدف از خلق عالم، ظهور تمام کمالات اسمای حق است و چنین ظهوری و اظهاری جز در وجود کسی که به صورت حق آفریده شده است، صورت نمی‌گیرد (ابن‌عربی، ۱۴۱۸ق، ج۳:۲۶۶). از نگاه عرفانی، انسان کامل ضمن آنکه حافظ وجود و دلیل استمرار حیات صوری است، مرکز همهٔ مراتب معنوی هم هست و این همان مقام «ولایت» است.

در موضوع انسان کامل، کتاب‌ها و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. هریک از این نوشته‌ها با روش‌هایی متفاوت به بررسی هستی‌شناسانه موضوع پرداخته‌اند. اما رجوع به معارف اصیل وحیانی و الهامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این مقاله در پی پاسخ‌یابی این پرسش است که براساس معارف امام باقر(ع) انسان کامل با توجه به مراتبی که دارد، در زمینهٔ هدایت و ارشاد انسان‌های دیگر به‌سوی مسیر هدایت و کمال نهایی چه نقش و مسئولیتی دارد؟

فرضیه اصلی در این مقاله این است که انسان کامل، خلیفه الهی در میان همه موجودات و انسان‌ها است، اولین و آخرین انسان فقط به‌وسیلهٔ او هدایت می‌شود. او دغدغهٔ هدایت و ارشاد مردم به‌سوی سعادت دنیوی و اخروی را دارد (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۱۱۸).

در مقاله پیش‌رو براساس معارف آن حضرت به نقش ارشادی و هدایتی انسان کامل در دو قالب «ارائه طریق» (هدایت به‌گونهٔ عام) و «ایصال الی المطلوب» در قالب هدایت خاص از طریق تجلی جذبه‌های الهی از مجرای وجودی انسان کامل در جهت سرعت بخشیدن به سیر سالک و از پیش پا برداشتن برخی موانع سلوک برای سالک اشاره شده است و به مطالب ذیل پرداخته خواهد شد:

۱. توجه دادن امام باقر(ع) به نقش منحصربه‌فرد وجودی، هدایتی و سلوکی اهل بیت(ع) به‌عنوان مصادیق انسان کامل در هدایت خلق به‌گونهٔ الف. هدایت تشریعی (ارائه طریق) و ب. هدایت تکوینی (ایصال الی المطلوب)؛

۲. تاکید امام باقر(ع) برضرورت وساطت انسان کامل در سلوک سالکان؛

۳. تصریح آن حضرت به یگانگی «صراط مستقیم» به‌سوی حق از طریق قبول ولایت انسان کامل؛

۴. درنهایت، تأکید امام باقر(ع) بر یکسان بودن هرکدام از اهل بیت(ع) در هدایت سلوکی.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

۱. نقش وجودی، هدایتی و سلوکی اهل بیت(ع)

یکی از نقش‌های مهم این‌جهانی انسان کامل، هدایت تشریعی و تکوینی خلق است. چنین انسانی تمام تلاش خود را برای هدایت و رسیدن قافلهٔ انسانی به کمال و سعادت نهایی به‌کار می‌بندد. در منظومه معرفتی امام باقر(ع) این وظیفه یکی از مهم‌ترین وظایف حقیقت انسان کامل است که در پیامبر اکرم(ص) وآل طاهرین ایشان به‌واسطهٔ جایگاه وجودی آن‌ها در هستی تجلی یافته است:

۱. ۱. جایگاه وجودی اهل بیت (ع)

از آن‌جاکه نقش هدایتی و سلوکی انسان کامل و خلیفة الله برآمده از جایگاه وجودی آن‌ها در هستی است، امام باقر(ع) در توصیف اهل بیت(ع) به‌عنوان مصادیق خلیفة الله می‌فرماید:

... نحن واللّه الکلمات الّتی تلقّاها آدم من ربّه فتاب علیه، إنّ اللّه تعالی خلقنا فأحسن خلقنا، و صوّرنا فأحسن صورنا و جعلنا عینه علی عباده و لسانه النّاطق فی خلقه، و یده المبسوطة علیهم بالرأفة و الرّحمة و وجهه الّذی یؤتی منه و بابه الّذی یدلّ علیه، و خزّان علمه و تراجمة وحیه و أعلام دینه، و العروة الوثقی و الدّلیل الواضح لمن اهتدی، و بنا أثمرت الأشجار وأینعت الثّمار وجرت الأنهار و نزل الغیث من السّماء و نبت عشب الأرض، و بعبادتنا عبد اللّه، و لولانا ما عرف اللّه، و أیم اللّه لولا وصیّة سبقت و عهد اخذ علینا لقلت: قولا یعجب منه، أو یذهل منه الأوّلون والآخرون ... (العطاردی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۸۱).

حدیث فوق به جمع بدون تقید آثار قرب فرائض (مقام حصول فنای تام و معرفت به حقیقت توحید) و قرب نوافل (مقام ظهور صفات و کمالات خداوندی و تحقق به آن‌ها در سالک واصل) در اهل بیت عصمت(ع) اشاره دارد. اینکه فرمود: ما چشم ناظر خدا بر بندگان و زبان گویای او در بین خلق و دست گشادهٔ رأفت و رحمت حق هستیم، به مقام خروج آن‌ها از هرگونه نفسانیت و فناء اراده، علم و ذات خویش در اراده، علم و ذات حق اشاره دارد. و اینکه فرمود: «درختان به‌واسطهٔ ما ثمر می‌دهند و نهرها جاری می‌شوند ... و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد»، به آثار قرب نوافل دلالت دارد. و لازمه مقام امامت و خلیفهٔ الهی جمع آثار این دو قرب به‌گونه غیر مقید است (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۳۵۲).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

براساس فقرهٔ دیگری از همین روایت، امامان یا همان مصادیق انسان کامل براساس مشیت الهی چهارده هزار سال پیش از خلقت آدم(ع) با اوصاف و ویژگی‌های خاص آفریده شده‌اند. آن انوار به این اسامی مشخص بوده‌اند: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و نه تن از فرزندان حسین که نهمین ایشان قائم آن‌هاست.

در منظومه معرفتی امام باقر(ع) وجود نوری، روحی و نفسی انسان کامل نه‌فقط هزاران سال پیش از آدم خلق شده است، بلکه در آن آفرینش فرامادی و جسمانی، خداوند آن‌ها را در تمام عوالم چه به‌لحاظ تکوینی و قدرت تصرف به‌گونهٔ اعجاز و کرامت و چه به‌لحاظ تشریعی و اجازهٔ وضع قوانین و احکام، مقام خلافت اعطا نموده است. ابواسحاق نحوی می‌گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود:

خداوند پیامبرش را بر محبت خودش تربیت کرده است، «و انک لعلی خلق عظیم» (قلم: ۴) *و سپس امور (تکوینی و تشریعی) را به او واگذارده و فرموده است :« ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا »* (حشر: ۷) *و فرموده : «من یطع الرسول فقد اطاع الله »* (نساء :۸۰) *و رسول خدا (ص) نیز کارها (امور تکوینی و تشریعی) را به علی (ع) واگذارده و او را امین خود قرار داده است. از این‌رو شما تسلیم شدید ولی مردم انکار کردند. در حالی‌که ما واسطهٔ بین شما و خداییم ، خداوند برای کسی خیری در مخالفت امر ما قرار نداده است چرا که امر ما همان امر خدای عز و جل است* (العطاردی، ۱۳۸۱،ج۱ : ۳۵۰).

اینکه اطاعت پیامبر، اطاعت خداست و دستورات او باید بدون چون و چرا اجرا شود، از تحقق آن حضرت به مقام جمع آثار دو قرب، حکایت دارد. و اینکه امام باقر(ع) فرمود: پس از پیامبر(ص) این نقش به امام علی(ع) داده شده، به جایگاه وجودی آن حضرت در هستی اشاره دارد که به تعبیر قرآن در حکم نقش پیامبر(ص) است (آل‌عمران:۶۱) و نیز اشاره به حدیث غدیر: «**من کنت مولاه فهذا علی مولاه** » (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۲۷) و حدیث منزلت «**انت منی بمنزله هارون من موسی**» است که هر دو از متواترات‌اند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

۱. ۲. نقش هدایت‌گری اهل بیت(ع)

خداوند اهل بیت(ع) را به‌عنوان انسان کامل برگزید و برتری داد و آن‌ها را پاکیزه گردانید و علم و کتاب خودش را نزد آن‌ها به ودیعه گذاشت. آن‌ها مکلف‌اند علاوه‌بر پالایش و آلایش نفس خود و اتصال با ملاء اعلی، با روش‌های مختلف به هدایت و ارشاد انسان‌ها پرداخته و این مهم را جزء مهم‌ترین وظایف خود بدانند. در منظومه معرفتی امام باقر(ع) به استناد آیه: «**إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ**» (رعد: ۷) انسان کامل به‌عنوان بیم‌دهنده و هدایت‌گر توصیف شده است. امام باقر(ع) قسم یاد می‌کند که این ویژگی از پیامبر(ص) به امام علی(ع) و به فرزندان معصوم ایشان تا به امام باقر(ع) منتقل شده و سپس از ایشان در فرزندان معصومش تا حضرت بقیة الله (عجل) استمرار و ادامه خواهد داشت (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۳۵۹).

براساس معارف امام باقر(ع)، انسان کامل مظهر اسمای الهی و واسطهٔ فیض و به‌ویژه، مظهر اسم «الهادی» و «الوالی» از اسما خداوندی است. آن حضرت به استناد آیه: «**وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا**» (سجده: ۲۴) انسان کامل را مظهر اسم «الهادی» معرفی نموده است؛ به این معنی که هدایت فقط به‌واسطه انسان کامل صورت می‌پذیرد. حضرت فرمود: خداوند از اهل بیت(ع) امامانی قرار داده است که به فرمان او (مردم را) هدایت می‌کنند (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۶: ۱۶۱).

همهٔ رسولان و امامان این نقش مهم این‌جهانی خودشان را با قبول سخت‌ترین شرایط پذیرفته‌اند. انسان کامل به حکم مظهریت اسم «الهادی»، مخزن علم الهی و مورد تأیید و برخوردار از عصمت الهی است. اعتبار و استحکام هدایت‌گری انسان کامل در اتصال او به «علم الهی» و «عصمت» او در تمام شئون و ازجمله عصمت در گفتار است. امام باقر(ع) بعد از اقرار به اینکه علم خداوند در نزد اهل بیت(ع) است، صدق گفتار آن‌ها را بهترین دلیل بر قبول هدایت‌گری آن‌ها در وصول به مقام قرب الهی می‌داند (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۴۶۸). امام باقر(ع) فرمود: «**نحن خزنة علم اللّه، و نحن ولاة أمر اللّه، و بنا فتح الإسلام، وبنا يختمه و منّا تعلّموا، فواللّه الّذى فلق الحبّة وبرء النسمة ما علم للّه فى أحد إلّا فينا وما يدرک ما عنداللّه الّا بنا**» (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۶۵-۲۶۴؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۵۹).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

۲. ضرورت وساطت انسان کامل در سلوک سالکان

پرسش قابل توجه در این‌جا اینکه آیا انسان کامل که نقش هدایتی و ارشادی خلق را برعهده دارد، چه نسبتی باهدایت‌گری الهی دارد؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا نقش ارائهٔ طریق و تصرفات تکوینی انسان کامل در جهت رساندن سالکان کوی حق به کمال حقیقی، در مقابل و جایگزین حضور خداوند است؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا باتوجه به اینکه، علم و قدرت مطلق و ذاتی در اختیار خداوند است «أنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۳۱) و « انّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ...» (نور: ۴۵) و علم و قدرت خداوند محدود و مقید به چیزی نیست و حق تعالی با همه معیت و همراهی قیومی که دارد، پس ولایت انسان کامل در عالم تکوین به‌گونهٔ ایجاد، تصرف و تسخیر عناصر در هستی و نیز در هدایت تکوینی و تشریعی به چه معناست؟ اجمال فرمایش امام باقر(ع) بیانگر این است که انسان کامل در راستای ارادهٔ الهی، به نشان دادن راه درست سیر به‌سوی خداوند و دستگیری از سالکان مسیر کمال، اقدام می‌کند.

در منظومه معرفتی امام باقر(ع) انسان کامل مستجمع این صفات است: **خلیفة الله، حجة الله**، باب الله، لسان‌الله، عین الله ... که بر موجودات و در میان بندگان و موجودات به نیابت از خداوند، اعمال ولایت می‌نماید:

> *عن أسود بن سعید قال: کنت عند أبی جعفر علیه السّلام فأنشأ یقول ابتداء منه من غیر أن أسأله: نحن حجة اللّه و نحن باب اللّه و نحن لسان اللّه و نحن وجه اللّه و نحن عین اللّه فی خلقه و نحن ولاة أمر اللّه فی عباده* (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۱۴۵؛ نیز، العطاردی، ۱۳۸۱،ج۱ : ۳۵۰).

از این بیان امام این نکتهٔ لطیف برداشت می‌شود که امامان معصوم(ع) به جهت فانی دیدن «اراده»، «علم» و «ذات» خود در اراده، علم و ذات خداوندی، از جانب خداوند این اجازه را یافته‌اند که به خلافت از او، به‌گونه‌ای انحصاری، در هستی رتق و فتق امور نمایند. چنان‌که گذشت، انسان کامل با توجه به نقش واسطه‌ای که دارد با اذن الهی و ارادهٔ او توان ایجاد و تصرف را خواهد داشت و از آن‌جاکه این قدرت کاملاً از جانب خداست، پس ولایت اولیا ظهور و تجلی ولایت و تصرف تکوینی حق تعالی است، نه آنکه حتی در طول ولایت الهی تصور شود تا چه رسد که ولایت ولی درعرض ولایت و قدرت الهی قرار گیرد؛ یعنی این خود خداوند است که از کانال وجودی ولی خویش در هستی تصرف می‌کند. امام باقر(ع) در روایتی رفتار و گفتار انسان کامل را ناشی از برهان و حقایق از

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

جانب پروردگار که پیامبر برای آن‌ها بیان داشته است، منطبق می‌داند و می‌فرماید: اگرچنین نبود، ما هم مثل همین مردم بودیم (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۱۶). انسان کامل به‌جهت اظهار عبودیت کامل به پیشگاه خداوند، به جمع آثار قرب فرائض و نوافل، به‌گونهٔ مطلق و بدون تقید، مزین است. ازاین‌رو زبان حقیقت‌گوی او «لسان الله» و چشم حق‌بین او «عین الله» و دست خیبر گشای او «یدالله» و ... است.

نقش واسطه‌ای انسان کامل تاحدی است که به فرمایش امام باقر(ع) امام هیچ‌چیز از خود ندارد و اگر از پیش خود چیزی بگوید گمراه است. امامان معصوم از روی دلیل و برهانی از جانب پروردگارمان سخن می‌گویند که برای پیامبرش بیان کرده و او نیز این حقایق را به امام علی(ع) و سپس فرزندان معصومش انتقال داده است (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۱۶). در روایت دیگری امام باقر(ع) فرمود:

ای جابر به خدا سوگند که اگر ما با مردم از پیش خود سخن بگوییم به یقین از هلاک‌شوندگان بودیم، ولی ما با ایشان از روی آثار رسول خدا(ص) سخن می‌گوییم که هرنسلی از نسل قبلی به ارث برده و آن را اندوخته‌ایم، همان‌طور که اینان طلا و نقره‌شان را اندوخته می‌کنند (صفار، ۱۴۰۴ق:۲۹۹؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۱۵).

چنین تجلی‌ای از خداوند در انسان کامل، شأنی الهی به انسان کامل بخشیده است بدون آنکه شائبه‌ای از شرک در کار آید.

بهترین بیان در اشاره به شأن الهی انسان کامل در این روایت حضرت بیان شده است.

به بیان جابر جعفی، امام باقر(ع) می‌فرماید:

ای جابر، خدا بود وهیچ‌چیز جز او نبود؛ نه معلومی ونه مجهولی، پس نخستین چیزی راکه آغاز به آفرینش کرد، محمد(ص) راآفرید وما اهل بیت را با او از نور عظمت خود آفرید. ما را به‌صورت سایه‌های سبزی در محضر خود نگاه داشت، درحالی‌که نه آسمان و زمین بود و نه مکان و شب و روز و نه خورشید و ماه، نور ما از نور پروردگارمان جدا شد مانند شعاع خورشید از خورشید؛ ما خدا را تسبیح، تقدیس و ستایش می‌کردیم و چنان‌که سزاست او را عبادت می‌نمودیم، سپس شروع به آفرینش مکان کرد و آن را آفرید و بر آن‌جا نوشت: «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی امیرالمومنین و وصی پیامبراست و به‌وسیلهٔ وی او را تأیید و یاری کردم»؛ سپس خداوند عرش را آفرید و برکنگره‌های عرش نیز همان‌طور نوشت، آن‌گاه آسمان‌ها را آفرید و برکرانه‌های آن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

همان‌ها را نوشت؛ سپس بهشت و دوزخ را آفرید و بر آن‌ها نیز همان جملات را نوشت وآن‌گاه فرشتگان را آفرید وآن‌ها را درآسمان جا داد؛ سپس هوا را آفرید و روی آن نیز همان عبارات را نوشت و بعد جن را آفرید و آن‌ها را درهوا جایگزین کرد. آن‌گاه زمین را آفرید و بر پیرامون آن همانند آن جملات را نوشت.

ای جابر، بدان وسیله آسمان‌ها بدون ستون سرِ پا وزمین در جای خود استوار است و پس از همه این‌ها آدم را از گسترهٔ زمین آفرید، پس ما ییم نخستین آفریدهٔ خدا و نخستین مخلوقی که خدا را پرستش کرد و او را تسبیح گفت، ما ییم واسطهٔ خلقت و وسیلهٔ تسبیح و عبادت ایشان از فرشتگان و آدمیان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۱۶۹؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۳۵).

از عبارات فوق برمی‌آید که اگر اهل بیت(ع) به‌عنوان مصادیق انسان کامل نبودند، هیچ موجودی، بلکه هیچ انسانی توانایی «معرفت» شایسته خداوند و ادای وظیفه و «عبودیت» متناسب با این معرفت را نداشت و تمام هستی خلقی به جهت عدم معرفت در جهالت می‌ماندند. و این همان دلیل ضرورت وساطت انسان کامل در هستی است. به‌عبارت‌دیگر، ساحت تنزه اطلاقی و احاطهٔ وجودی مطلقه حق تعالی، دارای چنان جایگاه کبریایی و عظمتی است که به جز انسان کامل، که جلوهٔ تام و تمام حق است و از هرگونه انانیت و انیت تطهیر یافته، دیگران را توانایی معرفت و درک عظمت حق و انجام وظیفه عبودیت و تقوی سزاوار حق تعالی نیست: «**اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ**» (آل‌عمران: ۱۰۲). به بیان علامه طباطبایی این آیه با آیه: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**» (تغابن: ۱۶) نسخ نشده است، بلکه آیهٔ دوم نوعی تخفیف از جانب پروردگار است (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج۱۹: ۳۰۸). پس باید اولیائی باشند که تقوای شایستهٔ حق را رعایت نمایند و اینان همان اهل بیت‌اند.

در منظومه معرفتی امام باقر(ع) شئون وجودی انسان کامل جدای از شئون خداوند نیست؛ دستورات آن‌ها در راستای دستورات حق تعالی است، پس همه‌چیز از او، در او، و به او ختم می‌شود. امام باقر(ع) به استناد آیه «**مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً**» (نساء: ۸۰) اوج سعادت آدمی را اطاعت از امام معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قله، کنگره و کلید هر کار و راه ورود در هر چیزی و خشنودی خدای بخشاینده تبارک و تعالی، اطاعت از امام از روی معرفت است» (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۳۷۱).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

در روایت دیگر آن حضرت علت نیاز به امام معصوم را عبارت به خیر و صلاح باقی‌ماندن عالم می‌داند؛ از آن جهت که خدای عز و جل در صورتی که پیامبر یا امامی روی زمین باشد، عذاب را از اهل زمین برمی‌دارد. خدای عزوجل فرموده است: «وَ مَا كَانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنتَ فِيهِمْ» (انفال: ۳۳) و نیز می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) و آنان معصوم و پاکیزه‌اند که هیچ گناه و معصیتی از ایشان سرنمی‌زند و آنان مورد تأیید خدا و موفق و مسددند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۱۶۹؛ نیز العطاردی، ج۱ :۴۳۵).

براساس روایات فوق امام باقر(ع) با انزوای این مظاهر الهی مخالف بوده و معتقد است چنین انسان‌هایی نباید تنها به ارتقای روحانی خود بپردازند، بلکه هدایت عامه و دستگیری از سالکان مستعد در جهت سعادت ابدی و قرب الهی از مهم‌ترین وظیفهٔ آن‌هاست.

مواردی که در منظومه معرفتی امام باقر(ع) دربارهٔ نقش هدایتی و ارشادی انسان کامل مورد توجه قرار گرفته عبارت‌اند از:

۲. ۱. انسان کامل همان نور جلوه‌گر الهی

با توجه به ویژگی‌هایی که در ذات نور نمودار است می‌توان نبی اکرم (ص) و امامان معصوم(ع) را که تجلی حقیقت انسانی‌اند ، مظهر اسم «النور» الهی تلقی نمود؛ زیرا تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و موجب ظهور غیر است، همان نور است. نور خود پیدا و ظاهر است و برای دیدن هرچیزی نیاز به وجود نور است و اگر نور نباشد، هیچ‌چیزی در عالم رؤیت نخواهد شد.

انسان کامل (امام) نیز به حکم خلیفةالله بودن به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر است. او شاخص حق و باطل است. نبود امام، ظلمت و گمراهی است و مهم‌ترین اثر «نور الهی» موجب ظهور و پیدایی همهٔ موجودات که در امام تجلی دارد، همان هدایت‌گری سالکان طریق معرفت و اعطا و تکمیل عزم و اراده سالکان در عبور از موانع است. اثر این نور تنها روشنگری مسیر سلوک نیست، زیرا علاوه‌برآنکه باعث تشخیص حق از باطل و خیر از شر می‌شود، به سالک، طریق کمال، یقین، عزم و اراده می‌بخشد و دستگیری عملی می‌نماید. قرآن مجید از تشبیه حقیقت وجودی اهل بیت(ع) به نور، برای شناخت بهتر امام بهره برده است تا به‌وسیلهٔ آن‌ها مفاهیم غیرمحسوس و غیرمادی را ملموس‌تر سازد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

براساس بیان قرآن مجید، ظهور تمام آسمان‌ها و زمین و موجودات ساکن در آن‌ها از تجلی نور وجودی حق در هستی است: «اللّهُ نُورُ السّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵)، اما این نور از کانال وجودی انسان کامل که همان نبی اکرم (ص) و آل طاهرین او هستند، قابل شناسایی است: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» (نور: ۳۶)، «رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ» (نور: ۳۷).

امام باقر(ع) فرمود: رسول خدا (ص) علمی را که نزد او بود به وصی خود داد و فرمود: ...او نور من است که بدان وسیله هدایت می‌کند به مانند مشکاتی که در آن چراغی است. مشکات قلب محمد(ص) و مصباح نوری است که علم درون آن است و...(خداوند به رسول خدا(ص) می‌فرماید: من می‌خواهم تو را بمیرانم آنچه را که نزد تو است نزد وصی خود قرار ده، همان طوری‌که چراغ را داخل شیشه قرار می‌دهند: «کَأَنّها کَوْکَبٌ دُرّیٌ» (نور: ۳۵). درحقیقت فضیلت وصی پیامبر را به ایشان اعلام کرده است. « یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَکَةٍ... » (نور: ۳۵). اصل این درخت مبارکه ابراهیم(ع) است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۸: ۳۷۹؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۳:۲۸۳). براساس این آیات و روایاتی که در تأویل از امام باقر(ع) نقل شده، پیامبر(ص) و امامان(ع) به‌عنوان مظهر اسم «النور» الهی که در هستی است معرفی گردیده‌اند، براین اساس، هدایت به معنی بهره بردن از آن نور خواهد بود و ضلالت به معنی غفلت یا محروم ماندن از آن نور است. گرچه، در بعضی متون دینی ادات تشبیه به‌کار رفته و امام را شبیه نور معرفی کرده است اما در بعضی متون دینی ادات تشبیه به‌کار نرفته و انسان کامل را خود نور معرفی کرده که واجد صفت تابیدن است.

۲.۲. انسان کامل به‌سان ستارگان در هدایت‌گری

همچنین در منظومه معرفتی امام باقر(ع) انسان کامل به ستارگان تشبیه شده است. باقر آل محمد(ع) از نبی اکرم(ص) این حقیقت را نقل فرمود: «مثل اهل بیت من به‌مانند ستارگان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند، ستارهٔ دیگری طلوع می‌کند» (ابن‌مغازلی، ۱۴۲۴ق، ج۱: ۲۷۲؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۱۸).

از منظر آن حضرت، باقی ماندن عالم بر خیر و صلاح از آثار وجودی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) است. خدای عز و جل، براساس حکمت خویش، این قانون تکوینی را در هستی قرار داده که مادامی که پیامبر یا امامی روی زمین باشد، عذاب را از اهل زمین برمی‌دارد. چنانچه فرمود: «وَ مَا کَانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنتَ فِیهِمْ...» (انفال: ۳۳) و پیامبر(ص) فرموده است: «ستارگان باعث ایمنی آسمانند و اهل

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

بیت من باعث ایمنی اهل زمینند». چون ستارگان از میان بروند برای اهل آسمان پیش آید آنچه را که نمی‌پسندند و همین طور چون اهل بیت من نباشند اهل زمین را پیش آید آنچه را که نمی‌خواستند. مقصود آن حضرت از اهل بیت، امامانی هستند که خداوند عز و جل طاعت آن‌ها را قرین طاعت خود فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). دستور به اطاعت مطلق از پیامبر و اولی‌الامر دلالت دارد که آنان معصوم و پاکیزه‌اند و هیچ گناه و معصیتی از ایشان سرنمی‌زند و آنان مورد تأیید خدا و موفق و مسددند. در واقع، ظهور عالی‌ترین و خالص‌ترین مراحل عبودیت از خاندان رسالت، موجب گردیده که آنان دو دست جلال و جمال مطلق خداوند در هستی قلمداد شوند که به‌وسیلهٔ ایشان خداوند به بندگانش روزی می‌دهد و شهرهای خود را آباد می‌کند. «به‌وسیلهٔ آن‌ها قطره‌های باران از آسمان نازل می‌شود. به‌وسیلهٔ ایشان برکات زمین بیرون می‌آید. به خاطر ایشان به گنهکاران مهلت داده می‌شود و در مجازات و عذاب‌شان شتاب نمی‌شود؛ روح‌القدس از ایشان جدا نمی‌شود و آنان نیز از او، و آن‌ها از قرآن جدایی‌ناپذیرند و قرآن نیز از ایشان جدا نمی‌شود. درود خدا بر همه ایشان باد» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج۱: ۳۳۸؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۳۹۳).

براین اساس، نقش هدایتی امام، مانند نقش نجوم است که خداوند برای هدایت انسان آن‌ها را آفریده است. امام باقر(ع) مصداق اتم نجوم، در قرآن را امامان معصوم معرفی می‌نماید و درتأویل آیه: «وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها» (انعام: ۹۷) می‌فرماید: النجوم آل محمّد علیهم السّلام است (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج۱: ۲۷۲). آن حضرت در تأویل آیه: «وَعَلامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل: ۱۶) فرمود: «نجم محمد(ص) و علامات اوصیای اوست» (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۶: ۱۵۷؛ نیز حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۳۲۷) و در روایت دیگری نجم را به علی(ع) تأویل فرمود (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۳۲۷؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۶: ۱۵۷). همچنین از نگاه امام باقر(ع) وجود امامان موجب استمرار حیات و امنیت مادی و معنوی در هستی است: ما به منزله ستارگان آسمانیم، چون ستاره‌ای نهان گردد، ستاره‌ای از ما پدید آید. ما باعث امن و امان و سلم و اسلامیم، ما گشاینده و کلید گشایشیم ... (لعطاردی، ۱۳۸۱، ج۱: ۳۹۴).

۳. هدایت اولین تا آخرین انسان در عوالم ظاهر و باطن به دست انسان کامل

درمنظومه معرفتی امام باقر(ع) خدا اولین و آخرین فرد را به‌وسیلهٔ امام هدایت می‌کند. امام باقر(ع) از این هدایت‌گری به «سلطنت موعود» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: اگر شما یک سلطنت موقت و گذرا

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

دارید، ما هم سلطنتی موعود داریم که پس از آن سلطنتی نیست؛ زیرا مائیم اهل عاقبتی که خداوند می‌فرماید: «وَالعاقِبَةُ لِلمُتّقِينَ» (اعراف: ۱۳۸)، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۴۷۱؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۱۱۸).

این هدایت وظیفه‌ای است الهی که بر دوش امام قرار داده شده است. امام باقر(ع) به استناد آیه: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده: ۲۴) فرمود: «این آیه دربارهٔ فاطمه(ع) به‌طور خاص نازل شده که خداوند از ایشان امامانی قرار داده است که به فرمان او (مردم را) هدایت می‌کنند» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۴۵۴؛ نیز العطاردی، ج۶ :۱۶۱)، و در تأویل آیه: «إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷) فرمود: «رسول خدا(ص) منذر و بیم‌دهنده و علی(ع) رهبر است. به خدا سوگند این مقام رهبری از ما خانواده بیرون نرفته است و همیشه تاکنون در ما بوده و هست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۱۹۲؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۳۵۹). پس اگر هدایت مردم تا روز قیامت برعهده آل محمد(ع) است، وظیفهٔ همگان نیز رجوع به این خاندان است.

با توجه به آیات قرآن و منابع فریقین تنها دو چیز عامل هدایت است: ۱. کتاب خدا؛ ۲. عترت و اهل‌بیت پیامبر(ص). پیامبر(ص) فرمود: «ای مردم دو چیز را بین شما گذاشتم اگر آن‌ها را بگیرید، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا (قرآن) و عترتم، اهل بیتم» (العطاردی،ج۶،ص:۱۳۴). حال، باتوجه به اینکه:

الف. این دو از هم جدایی‌ناپذیرند؛

ب. قرآن کتاب آسمانی بشر تا روز قیامت است. پس اهل بیت(ع) به‌عنوان مصادیق انسان کامل و قرآن مجسم تنها مسیر هدایت تشریعی و تکوینی بشر تا روز قیامت‌اند. به‌عبارت‌دیگر، امامان معصوم تنها درگاه ایمنی‌بخش و نجات‌دهنده از نابودی هستند. در تأویل آیه: «فَلا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (بلد: ۱۱). امام باقر(ع) دست خود را به سینه‌اش زد، فرمود: «ماییم آن عقبه‌ای که هر کس بر ما چنگ بزند نجات یابد» (کوفی، ۱۴۱۰ق:۲۱۱؛ نیز العطاردی،ج۳ :۳۴۸).

۴. صراط مستقیم همان قبول ولایت انسان کامل

«صراط» اصطلاحی کلامی و عرفانی است که ریشه و خاستگاه قرآنی دارد و به‌معنای بزرگ‌راه بندگی است که از هرگونه انحراف و اعوجاج ایمن است و انسان را به کمال و قرب الاهی می‌رساند. استفاده واژه «سبل» جمع سبیل در بعضی آیات و روایات به معنی جدایی راه‌ها نیست، بلکه به این

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

معنی است که راه‌های متعدد و کوچکی به‌سوی خداوند هستند که سرانجام به بزرگ‌راه صراط می‌پیوندند. هر راهی که مخلوق را به خدا پیوند دهد، شعبه‌ای از صراط است. پس «سبل» الله فراوان است؛ اما از یکتا صراط الهی جدا نیست، بلکه راه‌های فرعی هدایت، با بزرگ‌راه اصیل سعادت که یگانه است، درحقیقت متحدند.

اگر انحصار هدایت در انسان کامل (امام) است، چنانچه گذشت، پس صراط مستقیم نیز همان راه استوار اهل بیت است. امام باقر(ع) به استناد آیاتی از قرآن و روایاتی از رسول اکرم(ص)، علی(ع) و یازده امام را همان صراط مستقیم معرفی می‌کند. واژهٔ صراط در آیات و روایات شامل عموم اهل بیت است، اما کاربرد این واژه در مورد علی(ع) بسیار خاص و برجسته است. امام باقر(ع) نیز در روایات فراوان علی‌بن ابی‌طالب(ع) را «صراط مستقیم»، «دروازه قرب الهی»، «بازدارنده از عذاب جحیم»، «قسیم نار و جنه»،... معرفی کرده‌اند. البته بیان امام باقر(ع) منعکس‌کنندهٔ فرمایشات نبی اکرم(ص) پیرامون علی(ع) است.

امام باقر(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود:

هر که شادمان می‌شود که چون باد جهنده بر صراط بگذرد و بی‌حساب وارد بهشت شود، باید ولی و وصی و همراه و خلیفه و جانشین من بر خاندانم علی‌بن ابی‌طالب(ع) را دوست بدارد و کسی که خوش دارد وارد آتش دوزخ گردد ولایت و دوستی او را ترک گوید. به عزت و جلال پروردگارم سوگند که او همان دروازه الهی است که جز از آن دروازه کسی به قرب الهی نمی‌رسد و او صراط مستقیم است و هموست که خدای تعالی روز قیامت از ولایتش بازخواهی می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۵۸؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۱۲۵).

چرا مقام ولایت چنین جایگاه معظمی است؟، زیرا این مقام بعد از آن برای انسان کامل ولی، حاصل می‌شود که او تمام اراده، علم، و ذات خود و همه هستی را در اراده، علم و ذات حق فانی ببیند و البته اصل این فنای تام برای خود «حقیقت محمدیه» محقق است.

ازاین‌رو، ازسویی در منظومه معرفتی امام باقر(ع) آمده است:

تقرب به خداوند جز به‌وسیله طاعت خداوند حاصل نمی‌گردد و هر که مطیع خدا باشد، دوست ما و هر که نافرمانی خدا را کند، دشمن ماست و به ولایت ما نمی‌رسند، مگر با کردار و ورع و پرهیزگاری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۴؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۳۹).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

و ازسوی‌دیگر، طبق بیان امام باقر(ع) «بهترین وسیلهٔ تقرب به خداوند دوستی اهل‌بیت است که همان ایمان است و دشمنی اهل‌بیت که همان کفراست» (کلینی، ۱۴۰۷ق،ج۱: ۱۸۷؛ نیز، العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۳۶۶)، زیرا، دوستی و «مودت» به اهل بیت(ع)، از جهتی، به‌عنوان مزد رسالت نبی اکرم(ص) معرفی شده، بدون آنکه این مزد تقاضای شخصی پیامبر(ص) باشد، بلکه منافع آن به‌تمامی به امت اسلامی برمی‌گردد و ازجهت‌دیگر، این مودت همان قدم گذاردن در صراط مستقیم به‌سوی حق تعالی است: «قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاّ مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلاً» (فرقان: ۵۷). ازاین‌رو، ادعای دوستی اهل بیت بدون خضوع و اطاعت محض از خداوند، ادعایی باطل است.

حال اگر حدیث امام باقر(ع) از رسول اکرم(ص)، در کنار آیه: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ » (زخرف: ۴۳) مورد توجه قرار گیرد، می‌توان به اهمیت مقام ولایت علی(ع) و اولاد طاهرینش(ع) که همان صراط مستقیم است، پی برد و به‌گونه‌ای نتیجه گرفت که بودن نبی اکرم(ص) بر صراط مستقیم ولایت، ضمانت بقای نبوت و لزوم پایداری برآن است. البته ممکن است، دراین صورت این پرسش مطرح شود که چگونه ولایت علوی همان صراط مستقیمی است که حتی رسول اکرم(ص) بر مدار آن حرکت می‌کند؟ و البته این پرسش تنها حاصل جمع این آیه و روایت فوق نیست، بلکه امام باقر(ع) نیز، طبق نقل، براین تصریح نموده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج۲: ۲۸۶ ؛ نیز، العطاردی، ۱۳۸۱، ج۳ :۲۸۷). در پاسخ می‌توان گفت: نبی اکرم(ص) دارای سه شأن است: ۱.نبوت؛ ۲. رسالت؛ ۳. ولایت. و شأن ولایت اساس نبوت و رسالت است. شأن ولایت نبوی در هستی از کانال وجودی علی(ع) و فرزندان معصوم‌شان ظهور یافته است.

این نکته در کلمات ابن‌عربی و شارحان مکتب او نیز آمده است. ابن‌عربی خلافت را ثمرهٔ ولایت می‌داند و انسان کامل به جهت طی درجه‌های قرب و فنا، به کمال حقیقی و ولایت دست یافته و ثمرهٔ این ولایت در قالب رسالت و خلافت ظهور می‌کند. ولایت که حاصل قرب و فنای در حق است، متضمن نوعی خلافت در ربوبیت است که با غرق شدن و فنای کامل در حق و بقای به حق حاصل می‌گردد (ابن‌عربی، ۱۴۱۸ق، ج۱ :۹۲).

اما پاسخ عرفانی به این پرسش این است که «حقیقت محمدیه» که همان فیض اقدس، مقام خلافةاللهی کبری و عالی‌ترین تجلی الهی است، خود دارای تجلیاتی است. عالی‌ترین تجلی حقیقت محمدیه در ولایت علویه است و تجلی دیگر آن در نبوت در ساحت همه انبیا و حتی خود نبی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

اکرم(ص) است. پس حضرت رسول(ص) به اعتبار مرتبه‌اش به‌عنوان حقیقت محمدیه، اصل و اساس ولایت علویه است و اساس ولایت علویه، خود همانا «صراط مستقیم» است که اساس تمام نبوت‌ها و رسالت‌هاست.

و سخن نهایی در این بخش اینکه

علی(ع) همان دری است که خداوند آن را گشوده است، هر که از آن در وارد شود مؤمن است و هرکه از آن بیرون رود، کافر است و هرکه نه وارد و نه خارج شود (بی‌طرف بماند) از گروهی باشد که خدای متعال به مشیت خود دربارهٔ ایشان عمل کند (کلینی، ۱۴۰۷ق :ج۱: ۴۳۷؛ نیز، عطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ : ۳۴۰).

به‌گفتهٔ پیامبر(ص) علی(ع) تنها راهنمایی‌کننده‌ای است که پیروی‌کننده از او هرگز گمراه نمی‌شود و هیچ‌گاه هلاک نخواهد شد. سپس پیامبر(ص) فرمود: «با او برادری کنید و او را یاری کنید و سخن او را باور کنید و خیرخواه او باشید که جبرئیل(ع) آنچه را که به شما گفتم، به من خبر داد» (المغازلی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۵؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۶:۱۲۸) و البته پذیرفتن ولایت علی(ع) مقدمهٔ پذیرش ولایت یازده امام معصوم(ع) بعد از او نیز هست.

۴. ۱. نسان کامل اهل الذکر

«ذکر» به‌معنای یادآوری است. اهل ذکر یعنی کسی که زمینه یادآوری را فراهم می‌کند. از صفات انسان کامل اهل ذکر بودن است، یعنی او «صراط مستقیم» را یادآوری می‌کند. روایات فراوانی از امام باقر(ع) (به استناد آیات قرآن) وارد شده است که مصداق اهل ذکر و انسان کامل به معنای حقیقی کلمه، همانا اهل بیت(ع) هستند. در تفسیر آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (نحل: ۴۳). امام باقر(ع) فرمود: «اهل ذکر» امامان از عترت رسول خدایند و این آیه: «أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً» (طلاق: ۱۰) را تلاوت فرمود (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۳۳۷؛ نیز العطاردی ،ج۶ :۱۵۸).

توضیح آنکه، مقصود از «ذکر» در این آیه (طلاق:۱۰) قرآن مجید نیست، بلکه شخص نبی اکرم(ص) است. زیرا، در آیه ۱۱ واژه «رسولا» نقش عطف بیان و توضیح برای «ذکر»، در آیه ۱۰ را دارد. می‌فرماید: این ذکری که خداوند نازل نمود، همانا وجود اقدس نبی اکرم(ص) است که آیات قرآنی را بر شما تلاوت می‌نماید. همچنین در تأویل آیه: «...إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ » (ص: ۸۷) ذکر را به امیرالمومنین(ع) تفسیر کرده‌اند (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج۱: ۵۷۶ ؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۳ :۲۷۲). در روایت

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]
[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

دیگری امام در پاسخ به سؤال از اهل ذکر با دست به طرف سینه خود اشاره کرد و فرمود: «ماییم اهل ذکر و ما با آن افراد طرف سؤال می‌باشیم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۲۱۱؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۳۶۸).

۲.۴. ولایت انسان کامل سخت و دشوار

از ویژگی‌های امامان و اهل بیت(ع)، سخت بودن درک مرتبهٔ وجودی و ولایت آن‌ها و لوازم این ولایت است، به‌گونه‌ای که تحمل آن سخت و دشوار است. در منظومه معرفتی امام باقر(ع) «جز سه گروه آن را تحمل نکنند: فرشته مقرب یا پیامبر مرسل و یا بنده‌ای که خداوند دل او را به ایمان آزموده باشد» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۸؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۶۷). و البته، این بدین معناست که رهپویی این مصادیق انسان کامل می‌تواند آدمی را به نهایت امکان سیر وجودی او واصل نماید و ازاین‌رو، این رهپویی سخت و دشوار است. بااین‌همه این ولایت «کشتی نجات» است که همگان می‌توانند در پناه آن امنیت یابند و به فوز رستگاری رسند.

۵. یکسان بودن هرکدام از اهل بیت علیهم السلام در هدایت سلوکی

ائمه (ع) که حامل حقیقت امامت هستند به‌اقتضای شرایط زمانی و مکانی جلوه‌های مختلفی داشته و دارند: گاهی با صبر، سکوت و خانه‌نشینی، گاهی صلح و سازش، گاهی با قیام و نبرد خونین، گاهی با عبادت و دعا، گاهی تشکیل حوزهٔ تدریس، تربیت شاگرد و بیان احکام، گاهی با تحمل زندان و حبس، و... تربیت نموده‌اند. اما حقیقت امامت یک چیز است و تنها یک هدف دارد وآن چیزی جز هدایت مردم، نورانیت بخشیدن و الهی کردن جامعه نیست، که در هر عصری به مقتضای همان عصر جلوه می‌کند و البته این از لوازم ایمان است. باقر آل محمد(ع) فرمود: ایمان بنده‌ای کامل نیست، مگر اینکه بداند آنچه برای نخستین فرد از امامان جاری است، برای آخرین فردشان جریان دارد و آنان در حجت، طاعت، حلال و حرام یک‌سانند و برای محمد(ص) و امیرالمومنین(ع) فضیلت ویژه‌ای است (العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۴۳۴).

در منظومه معرفتی امام باقر(ع) اعتقاد و ایمان به یک‌سانی ائمه از کمالات دین است. ایشان فرمود: «البته اطاعت امام از طرف خدای عز و جل فرض و واجب است و روشن است که خداوند آن را در اولین فرد ما اجرا کرده و در آخرین ما نیز اجرا می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۳۵۷-۳۵۶).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

حمران می‌گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم فدایت شوم آیا سرنوشت علی، حسن، حسین(ع) و خروج و قیام آن‌ها در دین خدا را دیدید؟

حضرت فرمود:

ای حمران به‌راستی که خدای تعالی آن را برای ایشان مقدر فرموده بود و حکم الهی صادر و امضا کرده و حتمی ساخته بود و سپس به اجرا درآورد و قیام علی، حسن و حسین(ع) با علم قبلی و دستوری بود که از رسول خدا(ص) به ایشان رسیده بود و هر امامی از ما هم که سکوت اختیار کرده از روی علم و دستور خداست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۲۸۱؛ نیز العطاردی، ۱۳۸۱، ج۱ :۳۴۹).

نتیجه:

- انسان کامل، همان عصارهٔ الهی است که در سیر صعودی به‌سوی حق تعالی، با سیر در مراتب صفات و اسمای خداوندی و تحقق به آن‌ها، به مقام خلافت الهی، دست یافته است.
- ایشان با دستیابی به حقایق عالم کبیر و جهان خلقی، سبب ایجاد، بقا و تکامل و تداوم حیات است. دل او آیینهٔ تجلی انوار حضرت حق است که بر عالم افاضه می‌شود.
- خداوند با تربیت پیامبر(ص) و واگذاری امور (تکوینی و تشریعی) به او و اوصیای بر حقش، به‌گونه خلافت و تبعیت، آن‌ها را مرکز همه مراتب معنوی (مظهر اسم الولی، الهادی)، مظهر همه اسمای الهی و واسطهٔ فیض و فعل خداوندی‌اش قرارداد.
- انسان کامل به‌عنوان مظهر اسم «الولی» و«الهادی» علاوه‌بر پالایش و آلایش نفس خود و اتصال با ملاء اعلی، به هدایت و ارشاد انسان‌ها پرداخته و این مهم را جزء مهم‌ترین وظایف خود می‌دانند.
- جایگاه معظم ولایت حاصل فناء تام «اراده»، «علم» و ذات صاحب ولایت در حق است و اصل این فناء تام برای مقام خلافت کبرای الهیه و حقیقت محمدیه است. حقیقت محمدیه، دارای تجلیاتی است. عالی‌ترین تجلی آن در ولایت علویه یعنی ولایت علی(ع) و اولاد طاهرین او است.
- تصرف انسان کامل در هستی به خلافت از جانب خداوند است و قدرت او در طول قدرت خداست. پس این خود خداوند است که از کانال وجودی «ولی» در هستی تصرف می‌کند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

انسان کامل همان اراده، علم و کمالات بروزیافته الهی است که در هستی رتق و فتق امور می‌نمایند.

- حقیقت امامت چیزی جز هدایت مردم، نورانیت آن‌ها و الهی کردن جامعه نیست، که در هر عصری به مقتضای همان عصر جلوه می‌کند. گاهی صبر، سکوت و خانه‌نشینی، گاهی صلح و سوزش، گاهی قیام و نبرد خونین، گاهی عبادت و دعا، گاهی تشکیل حوزهٔ تدریس، تربیت شاگرد و بیان احکام، گاهی تحمل زندان و حبس و ... دارند. اعتقاد و ایمان به یک‌سانی ائمه از کمالات دین است.
- اوج سعادت آدمی اطاعت از امام است. اطاعت از ایشان اطاعت از خداست. خداوند به اطاعت مطلق از پیامبر و اولی‌الامر دستور داده است. به‌گونه‌ای که تقرب به خداوند جز به‌وسیلهٔ طاعت این اولیا حاصل نمی‌گردد.

کتاب‌نامه:

- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- ابن شهرآشوب مازندرانی، محمدبن علی. (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم: علامه.
- ابن‌عربی، محیی‌الدین. (۱۴۱۴ق)، *الانسان الکامل*، به کوشش محمود محمود غراب، دمشق: دار الکاتب العربی .
- ـــــــــــــــ . (۱۴۲۱ق)، «رساله تنبیهات» مندرج در *مجموعه رسائل ابن‌عربی*، بیروت: دارالمحجه البیضاء.
- ـــــــــــــــ . (۱۴۱۸ق)، *الفتوحات المکیه*، بیروت: دارصادر.
- ابن مغازلی. (۱۴۲۴ق)، *مناقب ابن مغازلی*، بیروت: دار الاضواء.
- العطاردی، عزیزالله. (۱۳۸۱)، *مسندالإمام الباقر(ع)*، تهران: عطارد.
- جهانگیری، محسن. (۱۳۷۵)، *محیی الدین عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.
- حسکانی. (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل*، تهران: وزارت ارشاد.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ق)، *بصائرالدرجات*، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۴ق)، *المیزان*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق)، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه.
- قرآن کریم.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، *اسلکافی*، محقق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- کوفی، ابوالقاسم بن فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات*، تهران: مؤسسة الطبع و النشر وزارة الارشاد الاسلامی.
- محمود الغراب، محمود. (۱۳۸۹)، *انسان کامل*، ترجمه: گل بابا سعیدی، چاپ سوم، تهران، جامی.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

[DOI: https://doi.org/10.22034/15.28.27]